



سرزمین عرفات

سید علی قاضی عسکر

در فاصله حدود ۲۱ کیلومتری شهر مکه، سرزمین مقدّسی است با پیشینه تاریخی دیرینه که نامش عرفات است. حاجیان پس از پوشیدن لباس احرام، برای انجام حج تمتع، راهی آنجا شده و از ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب آفتاب، در این سرزمین وقوف می‌کنند و به دعا و نیایش می‌پردازند تا خدای رحمان، به آنها رحمت آورده بار دیگر اجازه ورود به حرم را به آنان عطا نماید.

تشنگان معرفت، وعارفان عاشق، برای حضور در عرفات، شور و شوق فراوان از خود نشان داده، برای همنشینی با حضرت صاحب الأمر - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - که همه ساله در این موقف حضور دارند، سر از پای نمی‌شناسند.

نوشتاری که در پیش روی دارید، عرفات را در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده است:

عرفات در لغت

عَرَفَاتُ، از ریشه عَرَفَ گرفته شده و به گفتهٔ راغب: بیانگر شناخت آثار اشیاء همراه با تفکر و تدبّر است.^۱ این کلمه اسمی مفرد است که در لفظ به صورت جمع آمده، لیکن جمع

بسته نمی‌شود. و شاید دلیل آن تفکیک ناپذیری اماکن بوده، و با این استعمال گوئی هر جزئی از این سرزمین را عرفه دانسته‌اند.^۲

فراء گفته است: عرفات اگر چه به صورت جمع آمده، لیکن معرفه است و دلیل معرفه بودنش نیز آن است که الف و لام بر آن داخل نشود.^۳

اخفش نیز گفته است: عرفات بدان جهت منصرف است که تاء را به منزله یاء و واو در مُسَلِّمِین و مُسَلِّمُون، و تتوین را به منزله «نون» قرار داده‌اند و آنگاه که به صورت اسم استعمال گردد، اعراب آن به همان حال باقی می‌ماند.^۴

جوهری همچنین گفته است: این گفته مردم «نَزَلْنَا عَرَفَةَ» و عرفه بصورت مفرد آمده، این استعمال همچون «مَوْلِدٍ» است و عربی خالص و محض نمی‌باشد.^۵

نامگذاری عرفات

در این که چرا عرفات را بدین اسم خوانده‌اند، اختلاف نظر وجود دارد:

۱ - برخی گفته‌اند: آدم و حوا پس از رانده شدن از بهشت و فرود آمدن بر زمین، در این سرزمین یکدیگر را ملاقات نموده، همدیگر را شناختند؛ از این رو آنجا را عرفات نامیده‌اند.^۶

۲ - گروهی دیگر عقیده دارند: از آن رو این سرزمین را عرفات گویند که مردم در آن به گناهان خود اعتراف می‌کنند.^۷

۳ - امام صادق - علیه‌السلام - (در روایتی طولانی) پس از بیان ماجرای فرود آمدن آدم - ع - در عرفات و همراهی نمودن جبرئیل با ایشان، فرمودند:

«جبرئیل به آدم گفت: هنگامی که خورشید غروب کرد، هفت مرتبه به گناه خود اعتراف کن و هفت مرتبه نیز توبه و طلب آمرزش نما. و آدم چنین کرد، پس آنجا عرفات نامیده شد؛ زیرا آدم در آن، به گناه خود اعتراف نمود و برای فرزندان او نیز سنت شد که [در این سرزمین] به گناهان خود اعتراف کرده، از خداوند آمرزش بخواهند، همانگونه که آدم چنان کرد...»^۸

در روایتی دیگر، معاویه بن عمار گفته است: از امام صادق - ع - پرسیدم: چرا عرفات را عرفات نامیده‌اند؟ فرمود: جبرائیل همراه با ابراهیم روز عرفه بیرون شد، پس به هنگام غروب

آفتاب، به ابراهیم گفت: ای ابراهیم به گناهت اعتراف کن و مناسک خود را بشناس، پس عرفات نامیده شد بخاطر گفته جبرئیل که گفت: «اعتراف کن» و او اعتراف کرد.^۹

۴ - دیگری گفته است: از آن جهت که حاجیان در این سرزمین با یکدیگر آشنا می‌شوند، این روز را روز «عرفه» و این سرزمین را «عرفات» نام نهاده‌اند.^{۱۰}

۵ - و نیز گفته‌اند: چون عرفات سرزمینی مقدس و با عظمت است، آن سان که گویی با بوی خوش آنجا را عطرآگین نموده‌اند، لذا عرفاتش نامیده‌اند.^{۱۱}

۶ - برخی را نیز عقیده بر آن است که: چون یکی از معانی «عِزْف» صبر و بردباری است و حاجیان برای رسیدن به عرفات و وقوف در آن رنج و زحمت فراوانی را متحمل می‌شوند، بدین جهت این مکان را عرفات نامیده‌اند و در تأیید این نظر، شعری را نقل کرده‌اند که:

قُلْ لَابِن قَيْسِ أَخِي الرِّقِيَّاتِ مَا أَحْسَنَ الْعِزْفَ فِي الْمَصِيبَاتِ!^{۱۲}

۷ - و سرانجام گفته‌اند: چون جبرئیل مناسک حج را به ابراهیم خلیل الرحمان آموخت و وی را نسبت به عرفه آگاه ساخت، آن گاه به او گفت: اَعْرِفْتِ؟ و ابراهیم پاسخ داد: آری. از این رو آنجا را عرفات نامیده‌اند.^{۱۳} از مجموع آنچه گفته شد شاید بتوان گفت اعتراف به گناه که در وجه تسمیه دوّم و سوّم آمده و امام صادق -ع- نیز مهر تأیید بر آن نهاده‌اند، بهترین دلیل نامگذاری این سرزمین مقدّس به «عرفات» است.

پیشینه تاریخی عرفات

بر اساس گزارش تاریخ، پیشینه این نام و این سرزمین، به زمان حضرت آدم -ع- می‌رسد، آن گاه که او و همسرش حوا از بهشت رانده شده و پس از مدتی یکدیگر را در این سرزمین یافتند و از همین رو، برخی این دیدار را علّت نامگذاری این نقطه از زمین، به «عرفات» دانسته‌اند.^{۱۴}

از آن پس و بدنبال تشریح حج، وقوف در عرفات بعنوان امری واجب مطرح شد.^{۱۵} لیکن شهرت این سرزمین، از زمان حضرت ابراهیم -ع- به بعد است. تا قبل از پیدایش زرم، به دلیل وجود چاه‌های آب در اطراف عرفات برخی قبایل،

چون جرهمیان، این منطقه را بعنوان محلّ سکونت خود برگزیده بودند.
مرحوم مجلسی - قدس سره - نوشته است:

«... جرهمیان تا قبل از پیدایش زمزم در عرفات و ذی‌المجاز سکونت داشتند، پس از آن که، بواسطهٔ پرواز مرغان، از وجود آب در مکه آگاه شدند، رفته رفته به مکه آمده، و کنار زمزم را برای سکونت خود برگزیدند.^{۱۶}»

لیکن با پر شدن چاه زمزم به وسیلهٔ جرهمیان و کمبود آب در مکه و وجود منابع آب در اطراف عرفات، و هموار بودن زمین در این منطقه، بار دیگر گروهی از مردم، به این سرزمین آمده، به ایجاد نخلستان و کشت و زرع پرداختند. برخی در آنجا ساکن شده، و برخی دیگر نیز به صورت فصلی و مقطعی به این مکان می‌آمدند. مدّتی بعد، آب چاه‌های موجود در عرفات را به مکه منتقل و مردم از آن بهره می‌گرفتند.

ازرقی به نقل از ابن عباس می‌نویسد:

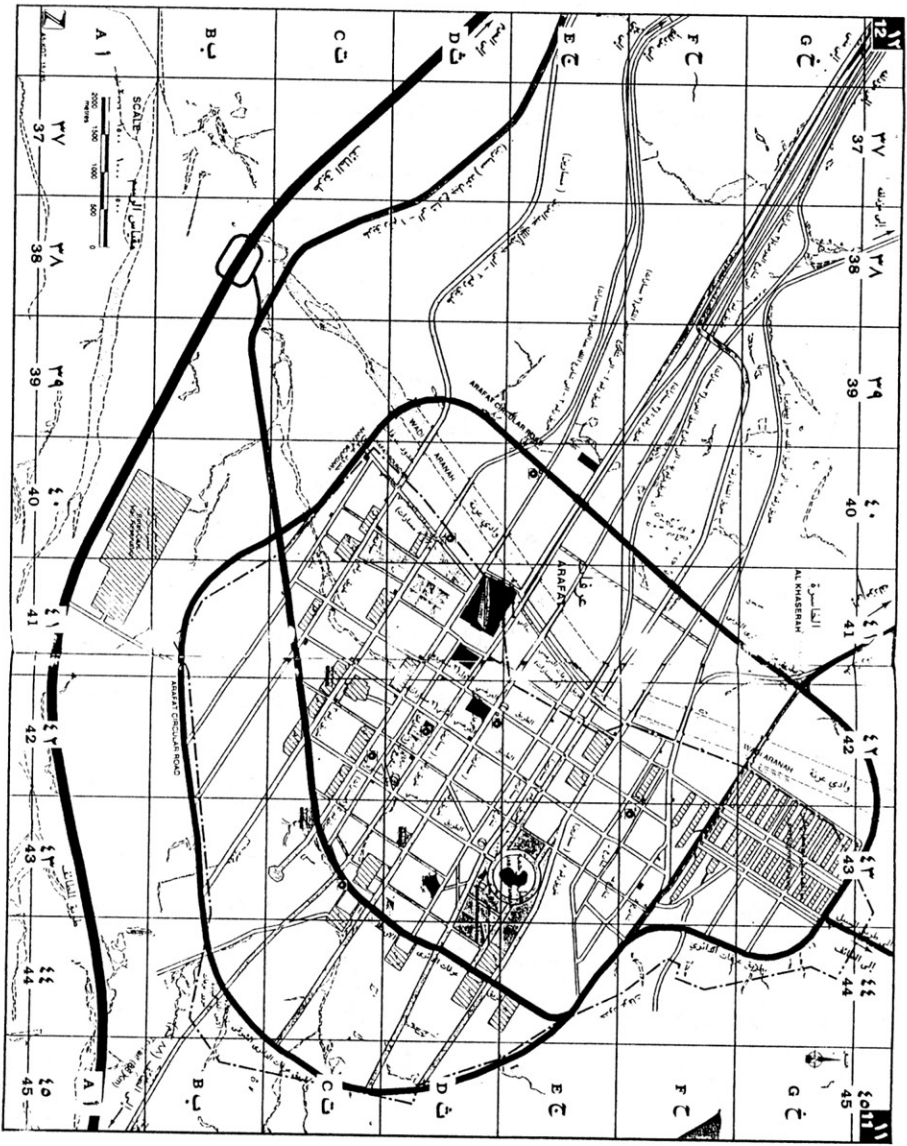
چون قریش در سرزمین مکه ساکن شدند و جمعیت آنان زیاد شد، کمی آب برای آنان مشکل ایجاد کرد، در نتیجه، در مکه چاه‌هایی حفر شد، مُرّة بن کعب بن لؤی، چاهی به نام رُم حفر کرد که محل آن در وادی عَزَنه و نزدیک عرفات قرار داشت.^{۱۷}

همچنین چاه «روا» در بیرون مکه و در صحراهای کنار عرفات قرار داشته است، اعراب هم در آن روزگار اطراف مکه ساکن بوده‌اند.^{۱۸}

بشاری در گزارش خود از عرفات می‌نویسد:

«عرفات روستایی است که در آن کشتزارها و سبزه‌زارها و مزارع خربزه وجود دارد و مردم مکه در آنجا خانه‌های زیبایی دارند که روز عرفه در آن فرود می‌آیند.»^{۱۹} (توضیح در صفحهٔ بعد - نک: نقشهٔ شمارهٔ ۱)

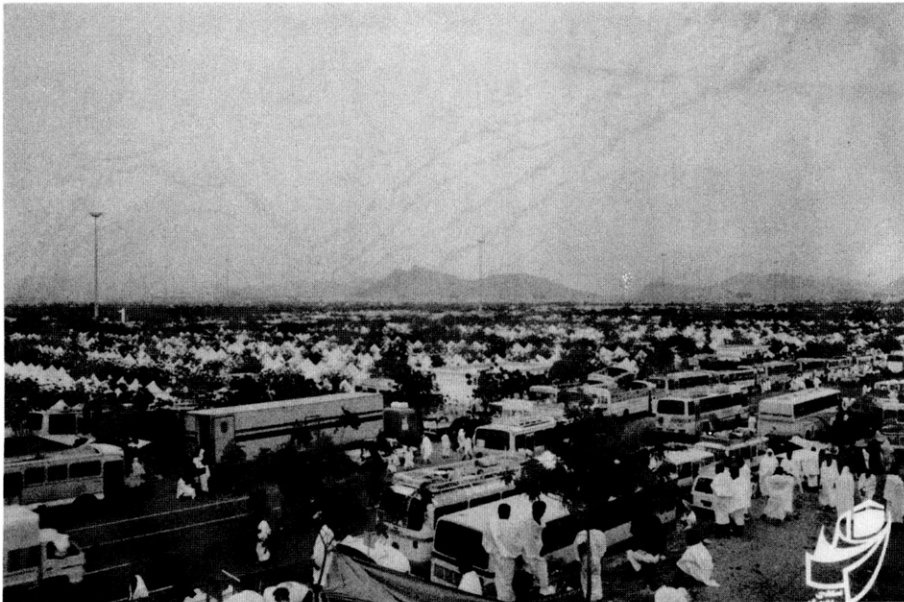
البته یاقوت حموی مکان این روستا را در فاصلهٔ دو مایلی، از موقف کنونی، می‌داند.^{۲۰} آنچه مسلم است این است که در این منطقه اشخاصی سکونت داشته و بدین جهت آنان را عَرَفی می‌نامیده‌اند. زَنْفَل بن شداد عَرَفی از جملهٔ این کسان است. عاص بن وائل نیز در این منطقه خانه داشته و سعید بن مسیب هنگام گذر از کنار آن شنید که خواننده‌ای این اشعار را می‌خواند:



تَضَوَّعَ مَسْكَاً بَطْنُ نَعْمَانَ إِذْ مَشَتْ بِهَ زَيْنَبُ فِي نَسْوَةِ عَطِرَاتٍ
 پس پاهایش را بر زمین کوبید و گفت: به خدا سوگند این از چیزهایی است که
 شنیدنش لذتبخش است:

و لَيْسَتْ كَأُخْرَى أَوْسَعَتْ جِيبَ دِرْعِهَا وَ أَبَدَتْ بَنَانَ الْكُفِّ لِلجَمْرَاتِ
 و حَلَّتْ بَنَانُ الْمَسْكِ وَخُفّاً مَرَجَّلاً عَلَى مِثْلِ بَدْرِ لَاحٍ فِي الظُّلُمَاتِ
 و قَامَتْ تِرَاعَى يَوْمَ جَمْعِ فَأُفْتِنْتُ بِرُؤْيَيْهَا مَنْ رَاحَ مِنْ عَرَفَاتِ ۲۱

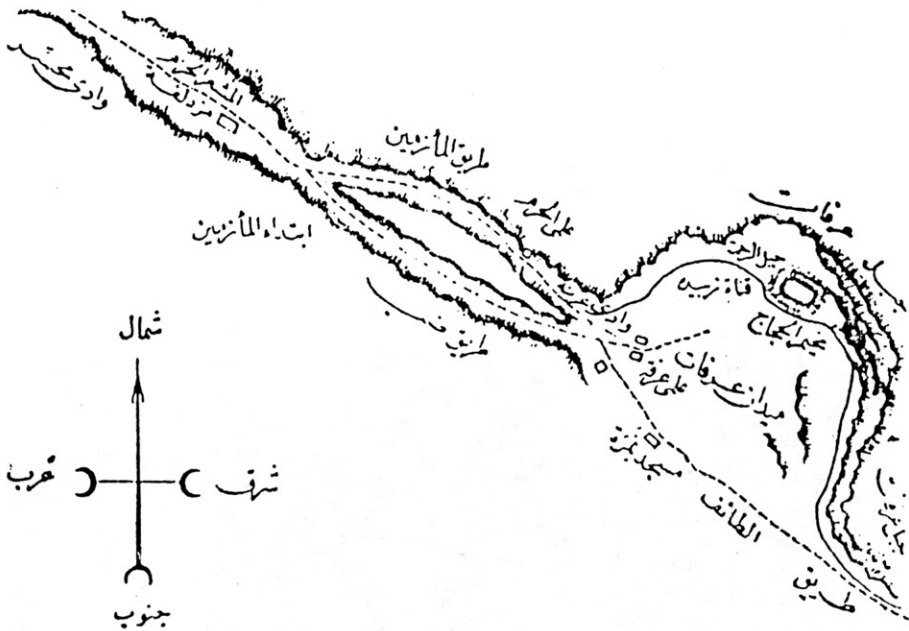
اینک از خانه‌ها و مزارع در عرفات، هیچگونه اثری باقی نمانده است. لیکن در چند
 سال گذشته دولت عربستان، درختان زیادی در عرفات کاشته، که با رشد آنها، همه ساله بر
 زیبایی این سرزمین افزوده می‌شود، در طول سال نیز اهالی مکه بعنوان تفریح به آنجا آمده،
 از سایه درختان و منظره زیبای آن بهره می‌گیرند.



حدود عرفات

اگر منطقهٔ عرفات را به صورت کمائی در نظر بگیریم، اطراف قوس این کمان را رشته کوههایی فرا گرفته است که وتر آن وادی عَرْنَه است.

عرفات از طرف شمال شرقی محدود است به کوه اسمر که آن را «جبل سَعْد» نیز می‌گویند، و از مشرق به کوه اُشهب که آن را «مِلْحَه» نیز خوانند و ارتفاعش از قبلی کمتر است، و از جنوب به سلسله کوهی که مرتفع‌ترین آن را «ام الرضوم» نامند، از قسمت شمال غربی و مغرب نیز محدود است به وادی عرنه. که تمامی این مناطق از آن قریش بوده است.^{۲۲} درون موقف نیز کوهی قرار دارد که حجاج از آن بالا رفته، دعا می‌خوانند، این کوه در کتابهای تاریخی به نام‌های «جبل الرحمه»، «قَرین»، «الْأَل» - به کسر و فتح الف - و «نابت» نامیده شده است.^{۲۳} و در میان مشاعر، تنها عرفات بیرون حرم واقع شده است.





الال یا جبل الرحمه

فرزند هشام برای انجام حج به حجاز آمده ابتدا به مدینه وارد شد، در آنجا نامه‌ای از پدرش هشام بن عبدالملک به دستش رسید که در آن نوشته بود: «قِفْ بِالنَّاسِ عَلَى الْأَلِ» نامه را خواند ولی از این عبارت چیزی نفهمید. کسی را نزد زهری فرستاد و او را خواست و معنای جمله را از او پرسید، وی نیز نتوانست پاسخ دهد، ولی گفت: جوانی از عراق برای تحصیل به اینجا آمده شاید او بداند.» بدنبال وی - که ابوبکر هُدلی بود - فرستاد ابوبکر هُدلی آمد و فرزند هشام با او قضیه را در میان نهاده نظرش را جویا شد، پاسخ داد: «الال» همان کوهی است که در عرفات واقع شده و مردم بر روی آن وقوف می‌کنند. زهری پرسید: آیا شاهدی بر گفتارت داری؟ گفت: آری، سپس این شعر را، که نایبۀ دُبیانی سروده، خواند:

بمُصْطَبِحَاتٍ مِنْ أَصَافٍ وَ ثَبْرَةٍ يُرْدُنَ الْأَلَّاءَ سَيَّرْهُنَّ التَّدَاغُ

«سوگند به بانوان نگهبانی شده، از کوهستان لصف و دشت ثبره، که کوه الال را زیارت می‌کنند و حرکت آنان چنان است که یکدیگر را کنار می‌زنند (در حال کوچ کردن هستند).»

هشام را این سخن خوش آمد و برای او دعا کرد و پول و لباس به وی بخشید.^{۲۴} در نقلی آمده است که: رسول خدا - ص - در عرفات بر «نابت»، روبروی کوهی که الال نامیده می‌شود، و کنار کوه مسلم و راه شنزار پیاده روان، بین دو صخره‌ای که ثَبْعَه و نُبَيْعَه‌اش نامند، وقوف فرمود.^{۲۵}

جبل الرحمه که آن را الال نیز گویند - به کسر همزه و تخفیف - نام جایی است که فرشتگان از آنجا به یاری سپاه اسلام آمدند و در طرف دست چپ به سوی الصفرا قرار دارد.^{۲۶}

وقوف در عرفات

تا آنجا که تاریخ گواهی می‌دهد، در تمامی اعصار، پیروان ادیان آسمانی که فریضه حج برای آنان تشریح شده بود، به هنگام حج، در عرفات وقوف می‌کردند در دوره جاهلی نیز، گروهی از جرهمیان با تاسی به ابراهیم خلیل و اسماعیل - علیهماالسلام - خانه کعبه را محترم داشته، گرد آن طواف می‌کردند و حج و عمره را بجای آورده، در عرفات و مشعر وقوف

می‌کردند.^{۲۷} لیکن برخی قبائل قریش و ساکنان مکه، بر اساس پاره‌ای اندیشه‌های غلط و با این که عرفات را از مشاعر شمرده و وقوف در آن را از اعمالی می‌دانستند که در حج بر اساس دین ابراهیم باید انجام پذیرد، بدعت‌هایی را به وجود آوردند و از وقوف در عرفات خودداری کردند.^{۲۸}

ازرقی می‌گوید:

محمد بن جبیر بن مطعم از قول پدرش نقل می‌کند که می‌گفته‌است: روز عرفه شترم را گم کردم، به جستجوی آن برآمدم، به صحرای عرفات رسیدم و دیدم رسول خدا - ص - آنجا وقوف کرده‌اند و همراه مردم هستند، گفتم این مردی قرشی و حمسی است چرا از حرم بیرون آمده است. - قریش خود را احمسی، - حمسی؛ یعنی «کسی که در آیین خود استوار است» نامگذاری کرده بودند - و معمولاً از حرم بیرون نمی‌رفتند و می‌گفتند ما اهل خداییم و از حرم بیرون نمی‌رویم و حال آن که دیگر مردم در عرفات وقوف می‌کردند و این همان قول خداوند است که فرمان داد: آن را رها کنند و چنین فرمان داده است: «ثم افيضوا من حيث افاض الناس»؛ «پس بازگردید از آنجا که بازگشتند مردم.»^{۲۹}

ازرقی افزوده است: حمسی‌ها به جای عرفات بر کناره حرم و کنار کوه نمره که در دره مأزمین قرار دارد وقوف کرده، شب عرفه را آنجا می‌گذراندند و روز عرفه را در منطقه اراک که از بخشهای کوه نمره است زیر سایه وقوف می‌کردند و از آنجا به منطقه مزدلفه می‌رفتند ...^{۳۰} سفیان می‌گوید: شیطان پیش قریش آمد و به آنان گفت: شما اگر از منطقه حرم بیرون روید اعراب نسبت به حرم بی‌رغبت می‌شوند و بدینگونه آنان را از این کار بازمی‌داشت، سفیان همچنین از حمید بن قیس از مجاهد نقل می‌کند که پیامبر - ص - تمام سالهایی را که در مکه بودند و هنوز هجرت نفرموده بودند، همراه مردم در عرفات وقوف می‌کردند و با قریش وقوف نمی‌فرمودند.^{۳۱}

سعید بن عبدالله راوندی (م ۵۷۳ ه. ق.) گفته است:

قریش در جاهلیت به عرفات نمی‌آمدند و می‌گفتند ما از حرم خارج نمی‌شویم، آنها روز عرفه و شب عید را در مشعر الحرام وقوف می‌کردند، اما دیگر مردم حج‌گزار، روز عرفه را در عرفات وقوف داشتند، همانگونه که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - علیهم صلوات الله - عمل



می‌کردند، پس خداوند فرمان داد تا مسلمانان روز عرفه در عرفات وقوف کنند و هنگام غروب آفتاب به سوی مشعر کوچک کنند: **ثم افيضوا من حيث افاض الناس** «کوچ از عرفات ممکن نیست مگر پس از وقوف یا بودن در آن»^{۳۲}.

سرزمین آمرزش و پذیرش دعا

یکی از مهمترین بهره‌هایی که حج‌گزاران می‌توانند از سفر معنوی حج بگیرند، آمرزش گناهان است. در روز نهم ذیحجه، حاجیان از هر دیاری آمده و در عرفات اجتماع نموده‌اند، با دعا و گریه و راز و نیاز به درگاه بی‌نیاز الهی، پاکی از آلودگی‌های گذشته را طلب می‌کنند.

این سرزمین جایگاهی است که پیامبران از آدم گرفته تا نبی خاتم محمد بن عبدالله - ص - و از اوصیای آن حضرت؛ علی بن ابی‌طالب تا مهدی موعود - علیهما السلام - در آنجا حضور داشته و دارند، و شیوه دعا کردن و بهره‌برداری از چنین روز ارزشمندی را به دیگران و بخصوص پیروانشان آموخته‌اند. این سرزمین میعادگاه عاشقان و عارفان است و کدام عارفی است که در عرفات، دعای پر محتوا و زیبایی عرفه امام حسین - ع - را بخواند و تحت تأثیر آنهمه عشق و زیبایی و معرفت قرار نگیرد؟

در روایات درباره آمرزش گناهان در عرفات، به حدی سخن گفته‌اند که همراه با شنیدن نام عرفه و عرفات، مغفرت و رحمت الهی در ذهن‌ها متجلی می‌شود، به برخی از این روایات توجه خوانندگان گرامی را معطوف می‌دارم:

علی - ع - فرمود: آن گاه که در حجة‌الوداع، رسول خدا - ص - حج گزارد، در عرفات وقوف کرد، سپس رو به مردم کرده، سه مرتبه فرمود: خوش آمدید فرستادگان خداوند، کسانی که اگر درخواست کنند به آنان عطا شود و فردای قیامت در پاداش هر درهم یک هزار حسنه، دریافت دارند. سپس فرمود: ای مردم آیا بشارتتان ندهم؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: هنگامی که غروب این روز - عرفه - فرا رسد، خداوند در برابر ملائکه به وقوف کنندگان در عرفات مباحث کرده، می‌فرماید:

[فرشتگان من!] به بندگان و کنیزان من بنگرید که از گوشه و کنار زمین، ژولیده موی

و غبار آلوده، بسوی من آمده‌اند، آیا می‌دانید چه می‌خواهند؟ فرشتگان گویند: پروردگارا! از شما آمرزش گناهانشان را می‌طلبند.

خداوند فرماید: شما را به شهادت می‌گیرم، همانا من اینها را آمرزیدم. پس از مکانی که در آن وقوف کرده‌اید، آمرزیده و پاک باز گردید. ^{۳۳}

علی-ع- فرمود: «از رسول خدا -ص- سؤال شد: کدامین یک، از عرفاتیان گناهکارترین‌اند؟ فرمود: کسانی که از عرفات باز می‌گردند و گمان می‌کنند خدا آنان را نبخشیده است.» ^{۳۴}

پیامبر -ص- فرمود: «برخی گناهان است که جز در عرفات بخشیده نشود.» ^{۳۵}
 حسین بن علی -ع- فرمود: «مردی یهودی خدمت پیامبر -ص- آمده گفت: ای محمد ... از ده سخن که خداوند هنگام مناجات در بقعه مبارک به موسی عنایت نمود از شما می‌پرسم - تا آنکه گفت - ای محمد از هفتمین آن خبر ده که چرا خداوند مردم را به وقوف در عرفات پس از عصر فرمان داد؟ پس پیامبر -ص- فرمود: بدان جهت که بعد از عصر ساعتی است که آدم پروردگار خویش را عصیان کرد پس خداوند بر پیروان من وقوف و گریه و دعا را در بهترین جایگاه - که همین عرفات است - واجب گردانید و پذیرش دعا را بعهدہ گرفت و آن ساعت که از عرفات کوچ کنند، همان ساعتی است که آدم کلماتی را از خداوند دریافت کرد و توبه نمود، که همانا او توبه‌پذیر و مهربان است. یهودی گفت: راست گفتی ای محمد، پس ثواب کسی که در عرفات ایستاده، دعا کند و به درگاه خدا زاری نماید چیست؟ پیامبر فرمود: سوگند به آن کس که مرا به حق - بشارت دهنده و بیم دهنده - به رسالت برانگیخت، همانا برای خداوند در آسمان هفت در است: باب توبه، باب رحمت، باب تفضل، باب احسان، باب جود، باب کرم، و باب عفو، هیچکس در عرفات حاضر نمی‌شود مگر آن که براحتی از این درب‌ها وارد شده، این خصلت‌ها را از خداوند می‌گیرد ... و برای خدا یکصد رحمت است که تمامی آنها را بر اهل عرفات نازل می‌گرداند. و آنگاه که از عرفات برمی‌گردند، خداوند آن فرشتگان را به رهایی عرفاتیان از زیر بار گناه و واجب شدن بهشت برای آنان، گواه می‌گیرد، و هنگام بازگشت از عرفات ندا دهنده‌ای صدا می‌زند که: خداوند شما را آمرزید، شما مرا راضی کردید و من نیز از شما راضی شدم. آن یهودی گفت: راست گفتی ای محمد! ...» ^{۳۶}

در نقل دیگری آمده است:

«آنانکه در عرفات وقوف می‌کنند، در حقیقت پیش روی خدا - بین یدی الله - وقوف

کرده‌اند.»^{۳۷}

ابونصر بزنطی از حضرت رضا -ع- و آن حضرت به نقل از امام باقر -ع- آورده است: هیچ انسانی نیست - خوب یا بد - که بر کوههای عرفات وقوف کرده و خدا را بخواند، مگر آن که خداوند دعای او را مستجاب نماید. آدم خوب در نیازهای دنیا و آخرت و آدم بد در کار دنیا.»^{۳۸}

امام صادق -ع- فرمود: «هیچ مرد مؤمنی، از اهل هر روستا و شهری که باشد، در عرفات وقوف نکند جز آن که خداوند اهالی مؤمن آن محل را ببخشد و هیچ مرد مؤمنی از خانواده‌ای با ایمان، در عرفات وقوف نکند مگر آن که خداوند مؤمنان از آن خاندان را پیامزد.»^{۳۹}

از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده که پیامبر فرمود: «آمرزش بر اهل عرفات در همان لحظه حرکت و لحظات آغازین روز عرفه نازل می‌شود، آنگاه شیطان بر سر خویش خاک ریخته، شیون و زاری می‌کند پس دیگر شیاطین گرداگرد او جمع شده می‌گویند: تو را چه شده است؟! می‌گوید: مردمی که در مدت شصت و هفتاد سال نابودشان کردم در یک چشم به هم زدن آمرزیده شدند»^{۴۰} - مراد شیطان حاجیانی هستند که در عرفات حاضر شده‌اند - .

پیامبر -ص- فرمود: «کسی که گوش و چشم و زبانش را در روز عرفه نگهدارد، خداوند او را از عرفه تا عرفه دیگر حفظ می‌کند.»^{۴۱}

ابن عباس مقدمه‌ای در رابطه با حدیث فوق آورده که: فضل بن عباس - در عرفات - کنار رسول خدا -ص- ایستاده بود و به زنان نگاه می‌کرد، پیامبر -ص- چشم او را برگردانید و فرمود: امروز روزی است که اگر کسی گوش و چشم و زبانش را جز از حق، نگهدارد، گنااهش آمرزیده می‌شود.»^{۴۲}

ابن عباس گفته است: «همانا خداوند به اهل عرفه - حاجیان - در برابر اهل آسمان فخر می‌کند.»^{۴۳}

ازرقی نیز می‌نویسد: پیامبر -ص- فرمود: «اما وقوف تو در شامگاه عرفه، همانا

خداوند متعال به آسمان دنیا فرود می‌آید و سپس به شما، بر فرشتگان مباحثات می‌کند و می‌فرماید: اینان بندگان منند که پریشان موی و خاک آلوده از راههای دور و دره‌های ژرف، به امید رحمت من، به درگاه من آمده‌اند. اگر خطاهای ایشان به شمار ریگها و قطره‌های باران و موج و خاشاک دریاها باشد، هر آینه بخشیدم ...»^{۴۴}

ابن عباس گفت: «پیامبر - ص - را در غروب روز عرفه در عرفات دیدم که دستهایش را تا سینه بالا آورده دعا می‌کرد همانگونه که مسکین از دیگران غذا طلب می‌کند.»^{۴۵}
در روایتی آمده که: بیشترین دعای رسول خدا - ص - روز عرفه این بود: «لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملك و له الحمد، و هو علی کل شیء قدير.»^{۴۶}
عبید الله بن کریز نیز گفت: «رسول خدا - ص - فرمود: برترین دعا، دعای روز عرفه است.»^{۴۷}

همچنین رسول خدا - ص - فرمود: «هیچ روزی شیطان کوچکتر، حقیرتر، و خشمگین‌تر از روز عرفه دیده نشده است، و این بخاطر آن است که خداوند رحمتش را نازل کرده، و از گناهان بزرگ - مگر آنچه که در روز بدر دیده شد - می‌گذرد.»^{۴۸}
رسول خدا - ص - روز جمعه در عرفات مشغول خواندن نماز عصر بودند که شخصی به نام کلب خواست از مقابل آن حضرت عبور کند، ناگهان افتاد و مرد. چون نماز آن حضرت پایان یافت، فرمود: کدامین یک از شما کلب را نفرین نمود؟ مردی پاسخ گفت: من او را نفرین کردم. پیامبر - ص - فرمود: در ساعتی دعا کردی که هیچ مؤمنی در آن ساعت دعا نمی‌کند، مگر آن که خداوند مستجاب می‌نماید.

دعا این بود: «لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلی العظیم، سبحان الله رب السماوات السبع و الارض، رب العرش العظیم، و الحمد لله رب العالمین.»^{۴۹}
اهمیت عرفات بحدی است که در روایت آمده: «الحج عرفه»؛ «حج، عرفه است»، البته این بدان معنا نیست که دیگر اعمال حج، کم اهمیت است! بلکه این روایت، حجاج بیت‌الله الحرام را به مهمترین رکن حج که عرفه است هدایت می‌کند و شاید دلیل این اهمیت، همان نقشی باشد که عرفات در آموزش گناهان دارد که انسانهای گنه‌کار وارد آنجا شده و بخشوده شده خارج می‌گردند.



روزه گرفتن در عرفات

در برخی روایات فریقین، از روزه گرفتن روز عرفه نهی گردیده که شاید علت آن، سر حال بودن و با نشاط بودن هنگام دعا و نیایش است؛ زیرا انسان روزه‌دار، در آن سرزمین - و خصوصاً در هوای گرم - حال دعا پیدا نمی‌کند. رسول خدا - ص - نیز روز عرفه را روزه نمی‌گرفت و خلفا و برخی اصحاب با تأسی به آن حضرت، از روزه گرفتن در این روز خودداری می‌کردند.^{۵۰}

شیخ کفعمی در مصباح فرموده: مستحب است روزه گرفتن در روز عرفه، برای کسی که در دعا خواندن ضعف پیدا نکند.^{۵۱} و این خود مؤید آن است که کراهت روزه بدان جهت است که انسانها برای دعا خواندن، حال و نشاط داشته باشند.

دعاهای حسین بن علی - علیهما السلام - و امام سجاد در روز عرفه از ادعیه بسیار مهم و حاوی نکات ارزشمند و تکان دهنده‌ایست.

بشر و بشیر فرزندان غالب اسدی گفته‌اند: در پسین روز عرفه، در عرفات، خدمت حسین بن علی - علیهما السلام - بودیم، آن حضرت از خیمه خود بیرون آمده، با گروهی از اهل بیت و فرزندان و یارانشان با نهایت خضوع و خشوع، در طرف چپ کوه (جبل الرحمه) ایستاده، روی بطرف کعبه نمود، آنگاه دستها را تا مقابل صورت بالا گرفت و مانند مسکینی که طلب غذا می‌کند، شروع به خواندن دعا نمود:

«الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع، ولا لعطائه مانع...»^{۵۲}

در دعای چهل و هفتم صحیفه سجادیه نیز، راز و نیاز امام سجاد - علیه السلام - در روز عرفه آمده است.

حضور رسول خدا در عرفات

جابر بن عبدالله - رض - گفته است: رسول خدا - ص - نماز ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح را در منا خوانده، سپس تا طلوع خورشید صبر نموده، آنگاه حرکت کرده به عرفات آمدند و در خیمه‌ای که برای آنحضرت در نمره زده بودند، فرود آمدند.^{۵۳}

ابوالولید نیز از پدر بزرگش، از مسلم بن خالد، از ابن جریج نقل می‌کند که از عطاء

پرسیدم پیامبر - ص - روز عرفه کجا منزل اختیار فرمودند؟ گفت: در نمره،^{۵۴} جایی که خلفا فرود می‌آیند، کنار سنگ بزرگی که در دامنه کوه است و هنگامی که به عرفات می‌روی سمت راست تو قرار می‌گیرد و بر همان سنگ بزرگ، پارچه‌ای می‌بستند و پیامبر - ص - زیر سایه آن بودند.^{۵۵}

مرحوم صدوق در مقنع گفته است:

آنگاه که به عرفات آمدی، در نمره نزدیک مسجد، خیمه زن، که رسول خدا - ص - نیز همین جا خیمه زد، سپس غسل کن و نماز ظهر و عصر را باهم بخوان تا برای دعا فرصت کافی داشته باشی؛ زیرا که روز عرفه، روز دعا و درخواست از خداوند است.^{۵۶}

پیامبر - ص - تا نزدیکی اذان ظهر نزد مسجد ابراهیم در نمره ماند، سپس حرکت کرده به نزدیکی جبل‌الرحمه آمد و آنجا وقوف کرد.

ازرقی می‌نویسد:

محلّ وقوف پیامبر - ص - در شامگاه روز عرفه، میان کوه‌های نبعه و نبعه و نابت و کنار زمین گسترده‌ای، که پشت جایگاه وقوف امام و سالار حج می‌باشد، بوده است، و کنار بریدگی کوه نابت، از سلسله جبالی که امروز معروف به الال است، وقوف فرموده‌اند. این قسمت در سمت چپ راه طائف و سمت راست دمام قرار دارد.

با ظهور اسلام در حجاز، پیروان این آیین حنیف، وقوف در عرفات را رکنی از ارکان حج دانسته و روز نهم ذیحجه در این سرزمین وقوف کرده، و وقوف در خارج این محدوده را جایز نمی‌دانند.

سیل در عرفات

در عرفات، در گذر تاریخ، حوادث فراوانی رخ داده که پرداختن به آن فرصتی دیگر می‌خواهد. ازرقی نمونه‌ای از آن حوادث را اینچنین نقل کرده است:

در سال یکهزار و پنجاه و سه، روز نهم ذی‌حجه، در حالی که حاجیان در عرفات بودند، سیل عظیمی آمد که از ظهر تا غروب ادامه داشت و چون حاجیان خواستند به مشعر بروند، جریان سیل مانع از عبور ایشان شد و آنها ناچار شدند تا آخر شب در عرفات بمانند تا سیل



کندتر شود و با سختی گذشتند. ۵۷

وی همچنین گفته است:

نخستین کس که میان صفا و مروه، و دو کوه عرفات، در شب‌های موسم حج، چراغ‌های نفتی برافروخت ابواسحاق معتصم بود. ۵۸

سخنرانی در عرفات

سیره رسول خدا - ص - و ائمه معصومین - علیهم‌السلام - بر این بوده که در عرفات برای حاجیان سخنرانی نموده، معارف دینی و اخلاقی را بیان می‌کردند. و حتی خلفا و حکام نیز با تأسی به آنان، در این سرزمین مقدس خطابه‌هایی ایراد می‌نمودند. رفته رفته منبری برای خطیب روز عرفه ساخته شد، که خطیبان بر فراز آن سخن می‌گفتند.

عمرو بن دینار گفته است: در زمان ابن زبیر منبر عرفه را دیدم که آن را از سنگ‌های تراشیده شده ساخته بودند و آن را در جایی نصب کرده بودند که امام و سالار حج، در عرفات نماز ظهر و عصر را می‌خواند. سرانجام سیل آن را ویران کرد و ابن زبیر به جای آن، منبری از «عیدان» ساخت. ۵۹

پیامبر - ص - در حجة‌الوداع، آخرین حج خود، دو مرتبه؛ یکبار قبل از نماز ظهر و عصر و دیگر بار پس از آن، به ایراد خطبه پرداخت و قوانین کلی و احکام ابدی دین مقدس اسلام را به مردم ابلاغ فرمود. ۶۰

محمد بن هشام نیز در عرفات خطبه خوانده گفت: «تمامی عرفه تا منبر من، موقف است.» ۶۱

هم‌اکنون رسم ایرانیان بر این است که: در روز عرفه، روحانی کاروان برای حاجیان سخنرانی نموده، سپس دعای شریف عرفه را می‌خوانند در بعثه مقام معظم رهبری نیز ابتدا یکی از شخصیت‌های معروف و روحانی سخنرانی نموده، سپس مداحی از مداحان اهل بیت اشعاری همراه با ذکر مصیبت می‌خواند و در پایان نیز دعای عرفه خوانده می‌شود.

ازرقی گفته است: «فاصله میان مسجدالحرام و جایی که سالار حج در عرفات وقوف می‌کند، درست و بدون کم و بیش یک چاپار است.» ۶۲

مسجد عرفات

در عرفات مسجدی وجود دارد که در تاریخ به نام مسجد عرفه، و مسجد جامع ابراهیم، و یا مسجد ابراهیم نیز از آن یاد شده است. این مسجد در گذشته بسیار کوچک بوده، و حاجیان در آن نماز می‌گزاردند.

ازرقی در ترسیم مسجد عرفات می‌نویسد:

اندازه مسجد عرفات از جلو تا آخر - یعنی طول - یکصد و شصت و سه ذراع و از سمت راست تا سمت چپ آن - یعنی عرض - بیست ذراع است، بر دیوارهای مسجد دویست و سه و نیم کنگره است، شصت و چهار کنگره بر دیوار قبله و بر گوشه راست و چپ آن، هر یک هشت کنگره، و پنجاه و هفت کنگره هم بر بقیه دیوار راست و چپ و در دیوار آخر مسجد ده کنگره بر سمت راست و چهار کنگره بر سمت چپ قرار دارد. مسجد عرفات دارای ده در است، یک در بر دیوار قبله که دارای طاقی بطول نه ذراع و عرض دو ذراع و هیجده انگشت است، بر دیوارهای سمت راست چهار در و بر دیوار سمت چپ هم چهار در قرار دارد و پهنای هر یک از این درها شش ذراع است، مساحت دری که بسوی موقف گشوده می‌شود یکصد و سی و یک ذراع است از کنار سمت راست مسجد تا کنار سمت چپ آن دیواری دایره شکل - قوسی - به طول سیصد و چهل ذراع کشیده شده است، پهنای مسجد از وسط آن شصت و هشت ذراع است، درهایی که در دیوار سمت راست است در بخش «خَبْر» گشوده می‌شود، بلندی دیوارها شش ذراع است در آخر مسجد سمت راست و طرف خَبْر دکان مربعی است که بلندی آن پنج ذراع و مساحت بالای آن هفت ذراع و هیجده انگشت در شش ذراع و هیجده انگشت است و روز عرفه بر آن اذان می‌گویند، در مسجد محرابی هم بر سکوی مرتفعی قرار دارد که امام و برخی از همراهان او آنجا نماز می‌گزارند و دیگران پایین آن نماز بجا می‌آورند و بلندی این سکو دو ذراع است ... از مسجد عرفه تا جایی که شامگاه عرفه، امام می‌ایستد یک میل است و نشانه آن در پشت جایی که امام می‌ایستد و کنار جبل المشاة نصب شده است.^{۶۳}

ملک اشرف قایتبای (۸۷۳ ه. - ۹۰۱ ه.) در زمان سلطنت خود، مسجد نمره را در

عرفات تعمیر و قنات عرفه را که مسدود شده بود لایروبی کرد.^{۶۴}

مساحت مسجد نمره در بازسازی و توسعه اخیر به ۱۲۴,۰۰۰ متر مربع رسیده است.



قسمتی از ساختمان مسجد دو طبقه، با مساحتی حدود ۲۷,۰۰۰ متر مربع است. مسجد کاملاً مجهز و از سیستم سرد کننده، دستشویی مناسب و غیره برخوردار است و گنجایش حدود ۳۰۰,۰۰۰ نمازگزار را دارد. ساختمان مسجد چیزی حدود سیصد و سی و هفت میلیون ریال سعودی، هزینه برداشته است.^{۶۵}

در روز عرفه تعدادی از حجاج در مسجد نمره آمده به خطبه روز عرفه که خطیب مسجد آن را ایراد می‌کند گوش داده، سپس نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه برگزار و آنگاه تا غروب آفتاب به دعا و نیایش و زاری به درگاه خداوند مشغول می‌شوند.^{۶۶}

عرفات و ستمگران

عرفات با دارا بودن ویژگیهای فراوان معنوی، در طول تاریخ از گزند ستمکاران در امان نمانده، برای دور ساختن حاجیان از معنویت عرفات، به تحریف حقایق پرداخته‌اند. ابویقظان گفت: مردی از فرزندان عثمان روز عرفه نزد هشام بن عبدالملک آمد پس گفت: امروز روزی است که خلفا لعن ابوتراب را در آن مستحب دانند!^{۶۷} سعید بن جبیر نیز گفته است:

معاویه از تکبیر گفتن در روز عرفه خودداری کرد؛ زیرا که علی بن ابیطالب -ع- در آن روز تکبیر می‌گفت!^{۶۸}

آب در عرفات

با ظهور اسلام در جزیره‌العرب، و گرایش روز افزون مردم به اسلام، رفته رفته بر طرفداران و پیروان رسول خدا -ص- افزوده شد و همه ساله در موسم حج، تعداد زیادی از حاجیان، برای انجام مناسک حج به سرزمین عرفات آمده، در آنجا وقوف می‌کردند. از آنجا که یکی از نیازهای اساسی مردم در عرفات، آب بود، حوضچه‌ها و استخرهایی در نزدیکی جبل‌الرحمه احداث نمودند تا حاجیان به هنگام وقوف در عرفات از آن‌ها استفاده کنند. مورخان نوشته‌اند:

مردم مکه در گذشته، از آب چاههای داخل شهر مکه و خارج آن می‌آشامیدند ولی

وقتی خلافت به معاویه بن ابی‌سفیان رسید حدود ده رشته قنات آب به سوی مکه جاری ساخت. بدین منوال بود تا این که در اواخر دوران بنی امیه، وقتی عبدالله بن عامر، حج خانه کعبه گزارد، دستور داد آب تمام چشمه‌های مکه را در یک مجرای واحد جاری سازند و آن را در میدان «صحرای» عرفات به نام چشمه عرفه ظاهر ساختند. بعدها در دوران خلفای عباسی و حکام مقتدر دیگر، آب چشمه عرفه را از طریق مجاری متعددی به مکه روان ساختند. چشمه عرفه به هنگام خلافت متوکل عباسی خراب شد و این خلیفه صد هزار دینار به مکه فرستاد و آن را تعمیر و آبش را به مکه جاری ساخت، سپس در سال ۲۴۱ هجری بر اثر زلزله‌ای چشمه عرفه ویران شد و معلوم نیست در چه تاریخی آن را مجدداً تعمیر کرده‌اند. باز در حدود ۵۰۰ هجری چشمه مزبور به علت خرابی، اصلاح و تعمیر گردید. در لوحه‌ای که در طرف راست کوه جبل‌الرحمه یافت شده، نام اصلاح کنندگان چشمه عرفه و دیگر مجاری آبهای مکه ذکر گردیده است. در این لوحه آمده: «بسم الله الرحمن الرحيم ... درود بر پیغمبر ما محمد - ص - ... و درود بر امام الناصر لدین الله امیرالمؤمنین که خداوند او را گرامی دارد ... و به دستور امام الاصفهتیلار الکبیر نصیرالدین بن زین‌الدین امیر اربل ... در اینجا لوحه مزبور خوانا نبوده ... و سپس سال ۵۰۰ هجری ذکر شده و بعد نام ابو جعفر منصور المستنصر بالله ... آمده است.»

و باز لوحه دیگری در همان کوه (رحمت) پیدا شده که تعمیر چشمه‌ها و مجاری آب مکه را به ابوالعباس احمد الناصر لدین الله در سال ۵۸۴ هجری نسبت داده است در لوحه مزبور آمده: «خلیفه بر تمام اهل اسلام ابوالعباس احمد الناصر لدین الله که خداوند او را حفظ کند و اقتدار و قدرتش را دو برابر کند، امر به تعمیر و آبادی چشمه عرفه و آبگیرهایی برای حاجیان خانه خدا کرده است ... در سال ۵۸۴ هجری» و همچنین لوحه مجزای دیگری هم در آنجا یافته شد که تعمیر چشمه عرفه را به امیرالامراء الاصفهتیلار الکبیر نصیرالدین بن زین‌الدین امیر اربل در سال ۵۹۴ هجری نسبت داده است.

و لوحه چهارمی هم در آنجا دیده شد که مستنصر عباسی چشمه عرفات را به سالهای

۶۲۵ ه. ۶۲۷ ه. و ۶۳۳ ه. تعمیر نموده است. ۶۹

فاکهی برای عبدالله بن عامر بن کریز، در عرفات تعداد هفت حوض ذکر کرده، و ابراهیم



رفت پاشا آن را هشت حوض دانسته است.^{۷۰}

برخی علاوه بر آشامیدن از آن حوضچه‌ها، غسل نیز می‌کردند. یزید بن ابی‌زیاد گفته، روز عرفه مجاهد را دیدم، در حالی که مُحْرَم بود، با استفاده از برخی حوضچه‌های عرفات غسل می‌کرد.^{۷۱}

در ناحیه جنوب شرقی مسجد نمره نیز دیوارهایی بوده که آثار آن تا این اواخر باقی بود و در حقیقت حدّ جنوبی موقف عرفه به حساب می‌آمده است. همچنین بازاری در جنوب جبل‌الرحمه بوده که تا سالهایی، نه چندان دور، وجود داشته و ابراهیم رفعت پاشا در مرآةالحرمین تصاویری از آن را آورده است.^{۷۲}

● پی‌نوشتها:

۱- تاج العروس، ج ۲۴، ص ۱۳۳

۲- همان، ص ۱۳۸

۳- همان.

۴- همان.

۵- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۷

۶- معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۷

۷- همان.

۸- مستدرک، ج ۱۰، باب ۱۴

۹- مستدرک، ج ۱۰، باب ۱۴، ص ۲۶، روایت ۱۳۷۲

۱۰- احکام حج و اسرار آن، ص ۲۳۷

۱۱- لسان العرب، ج ۲۴، ص ۱۳۷

۱۲- معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۷

۱۳- همان.

۱۴- لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۷

۱۵- شفاء الغرام، ج ۲، صص ۳۶ و ۱۰۸

۱۶- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۹۸، باب ۵، ج ۶

۱۷- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۲۱۴

۱۸- همان، ص ۲۲۰

۱۹- معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۸

۲۰- همان، ص ۱۱۷

- ۲۱- معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۱۸
- ۲۲- معجم معالم الحجاز، ج ۶، ص ۵۷
- ۲۳- معالم مکه التأریخیه و الاثریه، ص ۱۸۲
- ۲۴- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۳- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴
- ۲۵- آلال بر وزن حَمام همان جبل الرحمه است، برخی نیز آن را «لال» - به کسر الف - خوانده‌اند. جبل المشاة نیز راه شنی است که بین موقف پیامبر - ص - بر صخره‌ها و جبل الرحمه قرار دارد - شرق جبل الرحمه - تُبَعه و نُبِیعَه نیز دو رشته کوهند در عرفات، که به سمت غرب امتداد داشته و پشت جبل الرحمه - بعد از خط دایره‌ای که از شرق جبل الرحمه می‌گذرد - واقع شده است. جبل مسلم نیز شاید کوهی باشد که در شمال جبل الرحمه است و بر آن مخازن آب قرار دارد. اخبار مکه، ج ۵، ص ۷
- ۲۶- ابی الفداء، تقویم البلدان، ص ۱۰۹؛ سفرنامه ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۳۲
- ۲۷- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۱۷
- ۲۸- همان.
- ۲۹- بقره: ۱۹۵
- ۳۰- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۱۴۵
- ۳۱- ازرقی، اخبار مکه، ص ۱۹۵
- ۳۲- فقه القرآن، ینابیع الفقهیه، ج ۷، ص ۳۴۷
- ۳۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶
- ۳۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۰
- ۳۵- همان.
- ۳۶- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، باب ۱۸، ص ۳۲، ج ۱۱۳۸۶
- ۳۷- بحار الانوار، ج ۳، ص ۳۲۰، ج ۱۷
- ۳۸- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، باب ۱۴، ص ۲۶، ج ۱۱۳۷۱
- ۳۹- وافی، ج ۲، ص ۴۲
- ۴۰- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۵
- ۴۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۸
- ۴۲- همان، ص ۲۱
- ۴۳- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۱
- ۴۴- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۰۶
- ۴۵- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۲۴
- ۴۶- همان، ص ۲۴
- ۴۷- همان، ص ۲۵
- ۴۸- همان، ص ۲۶



- ۴۹- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۱۲، این دعا به عباراتی دیگر نیز آمده، لیکن فاکهی آن را با همین عبارت نقل کرده است.
- ۵۰- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۳۳- ۲۹
- ۵۱- مفاتیح الجنان، ص ۴۷۰
- ۵۲- مفاتیح الجنان، ص ۴۷۴
- ۵۳- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۹
- ۵۴- نمبره، نام کوهی کوچک و کم ارتفاع در قسمت پایانی، حدود شرقی حرم است که در غرب مسجد عرفه واقع شده است و بدینجهت اطراف این کوه را نمبره نام نهاده‌اند. عاتق بن غیث بلادی، اودیة مكة المكرمة، ص ۱۱۵ - معجم البلدان، ج ۷، ص ۳۶۲
- ۵۵- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۴
- ۵۶- ینابیع الفقهیه، ج ۷، ص ۳۶
- ۵۷- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۲۲
- ۵۸- ازرقی، اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۲۰
- ۵۹- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۳۴؛ ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۵
- عَیْدَان، نخل‌های طویل را گویند و یک دانة آن را عَیْدَانِه گویند. لغت‌نامهٔ دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۵۲۴
- ۶۰- احکام حج و اسرار آن، ص ۲۳۸
- ۶۱- همان، ص ۳۴
- ۶۲- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۱۹۰
- ۶۳- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۵۲؛ و ج ۲، صص ۱۸۸، ۶۵۸
- ۶۴- شانه‌چی، مسجدالحرام و کعبه، صص ۳۷۳ و ۳۷۴
- ۶۵- طول این مسجد تا قبل از نوسازی اخیر حدود ۹۰ متر و عرض آن ۸۰ متر بوده است و علاوه بر نمبره به نامهای مسجد عرفه یا مسجد جامع ابراهیم نیز معروف بوده است. احکام حج و اسرار آن، ص ۲۳۸
- ۶۶- لازم به تذکر است که در توسعهٔ اخیر، قسمتی از مسجد داخل در موقف عرفات و قسمت دیگری خارج آن قرار گرفته است. فی خدمة ضیوف الرحمان، صص ۱۰۸ و ۱۱۱
- ۶۷- شرح نهج البلاغة ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، باب ۲۳۸، ص ۲۲۱
- ۶۸- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۳۳
- ۶۹- حرمین شریفین، ص ۲۶
- ۷۰- فاکهی، اخبار مکه، ص ۴۳؛ مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۵
- ۷۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۴۳
- ۷۲- مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۳۳۷